

یاد گذشته و اندیشه آینده

در تاریخ ایران و صنعت نفت ایران



محمد علی موحد

گردآورنده و ویراستار

علی میرزانی



چاپ سوم

نگاره آفتاب

۱۳۹۷



# فهرست

- دکتر محمدعلی موحد: استثنائی بر قاعده (یادداشت ویراستار) ۹
- یادداشت نویسنده ۱۷
- کسروی و تاریخ مشروطه او ۲۱
- ناگفته‌هایی از ماجرای یکصدساله نفت ۴۳
- چرا برتراند راسل اوقاتش از دست مصدق تلخ بود؟ ۵۵
- بازخوانی پرونده اتحاد اسلام نادر ۶۷
- ملاحظاتی آسیب‌شناسانه در تاریخ‌نویسی ایران ۸۳
- فصلی از تاریخ تحولات حقوقی ایران ۹۷
- رضاخان سردار سپه: از فرماندهی کل قوا تا اریکه سلطنت ۱۳۱
- جزایر سه‌گانه، طبل بلندبانگ و میان‌تهی دعوی شیوخ ۱۷۳
- غبار‌انگیزی‌های تازه در روایت کودتای ۲۸ مرداد ۱۸۷
- از پشت پرده مذاکرات نفت ۲۲۱



## کسروی و تاریخ مشروطه<sup>\*</sup> او

زندگی کسروی را به سه بخش مشخص می‌توان تقسیم کرد: اول، یک دوره سی‌ساله از کودکی و نوجوانی تا ترک تبریز و سفر به تهران در ۱۲۹۹ خ. که پایه‌های محکم سواد او در این دوره ریخته شد، شخصیت او بالغ گردید و قوام یافت. بخش دوم زندگی کسروی یک دوره ده‌ساله بود از ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۹ خ. که جلد اول کتاب آیین در آن سال انتشار یافت. کسروی، در این بخش از زندگی، به عنوان دانشمندی نامدار و محقق زبردست در زمینه‌های زبان و تاریخ شناخته شد و عزت و حرمت فراوان یافت. بخش سوم از ۱۳۰۹ تا قتل او در ۲۰ اسفند ۱۳۲۴، کمابیش به مدت پانزده سال، ادامه یافت و تاریخ مشروطه ایران محصول این دوره از زندگی کسروی است.

در نگرشی دیگر، کسروی را مردی می‌بینیم دارای سه کشش قوی: کششی به سوی زبان و کششی به سوی تاریخ، و کششی به سوی دین. مردی با سه شخصیت مختلف و سه چهره متمایز. عملکرد کسروی در هر سه نقش

\* نگاه‌نو، ویژه‌نامه مشروطیت، مرداد ۱۳۸۵، صص. ۵۴-۶۱.

برای فراگرفتن عربی آغاز شد و روزبه‌روز قوت بیشتر گرفت و شکوفاتر گشت. در همان زمان که درس فقه و اصول را با شرح لمعه و قوانین و رسائل و مکاسب ادامه می‌داد، می‌کوشید تا زبان فرانسه را هم فراگیرد. اشتیاق شدید به یاد گرفتن انگلیسی او را به مدرسه امریکایی مموریال تبریز کشانید. وی، در آن مدرسه، هم معلم بود و هم شاگرد. به عنوان معلم، عربی تدریس می‌کرد و به عنوان شاگرد، انگلیسی می‌آموخت. مشق عربی‌نویسی را هم در همان اوان با نوشتن مقاله برای مجله العرفان که در لبنان چاپ می‌شد آغاز کرد. کتابی در دو جلد برای تعلیم عربی نوشت که آن را النجمة الدریه نامید. هوش و استعداد او در فراگرفتن زبان بی‌نظیر بود. اسپرانتو را به وسیله یک خودآموز انگلیسی یاد گرفت. به هر کجا که سفر می‌کرد دغدغه‌آشنایی با زبان و تاریخ آن‌جا را در دل می‌پروراند. مأموریت چندماهه به ساری فرصتی بود که خود را با گویش طبری آشنا کند. در مأموریت کوتاهی به زنجان که متوجه تفاوت‌هایی اندک در ترکی متداول زنجان و تبریز شد، به بررسی ساختار نحوی زبان ترکی پرداخت و حاصل آن مقاله‌ای عربی بود به عنوان «اللغة التركیة» که در همان مجله العرفان لبنان به چاپ رسید. مأموریت به خوزستان نیز او را با گویش شوشتری آشنا کرد و آن‌گاه که به تهران آمد، در حلقه درس پرفسور هرتسفلد آلمانی به فراگرفتن زبان پهلوی همت گماشت. شاهکار او رساله مختصر و پرمحتوای آذری یا زبان باستان آذربایگان در ۱۳۰۴ به چاپ رسید. این رساله که آن را سر ادوارد دنیسن راس به انگلیسی و پرفسور مایر به روسی ترجمه کردند، در محافل ایران‌شناسان شهرت و احترام فراوان برای نویسنده به ارمغان آورد.

کسروی در زمینه زبان دو رساله مختصر دیگر هم زیر عنوان نام‌های شهرها و دیه‌ها به چاپ رسانید و من خود از خاورشناس معروف، پرفسور مینورسکی، شنیدم که نگرش مبتکرانه و اصابت نظر کسروی را در این نوشته‌ها می‌ستود و می‌گفت: «او اگرچه درس زبان‌شناسی نخوانده بود یافته‌هایش با معیارهای علمی زبان‌شناسی درست درمی‌آمد.»